

سألهاء نوید

در نظام روحانیت و حوزه‌های علمیه



محمود حکمت نیا و عبدالوهاب فراتی

در این گفت‌وگوی ترتیب‌یافته آقای دکتر عبدالوهاب فراتی با دکتر محمود حکمت نیا، سه‌گونه کنشگری حوزه‌ها، جامعه و جهان نقد و بررسی می‌شود و ایشان این سه سطح کنشگری را با نگاه و برداشت خودشان تحلیل می‌کنند.

درواقع مدافعان چنین حوزه‌ای تنها وظیفه خود را ترویج و دفاع از آموزه‌های مذهبی در ایران می‌دانند و به همان زبان فارسی جهت اقناع جوانان ایرانی نیز بسنده می‌کنند؛ از این رو، رسالتی دیگر برای خود قائل نیستند و قلمرو معرفت‌شناختی و پاسخ‌گویی‌شان در درون همین دو مورد است. در نتیجه آن‌ها نه نیازی به یادگیری زبان‌های خارجی دارند و نه وارد

مباحث عمیق فلسفی می‌شوند؛ چرا؟ چون آنان با مخاطبانی روبه‌رو هستند که با آن‌ها وحدت مذهبی و زبانی دارند؛ به همین دلیل آن‌ها نه در صدد اثبات اصل امامت و نقد ادله کلامی منتقدین جدید

و نه در پی جایگاه اندیشه امامت در دنیای معاصر، بلکه در پی ترویج محبت امام در دل مردم‌اند؛ روشن است آنان در نفی و اثبات مسئله امامت با مخاطبین خود مشکلی ندارند و تنها در پی تعمیق رابطه ولایی آنان با امام معصوم علیه السلام هستند، حتی وقتی به حادثه کربلا هم می‌پردازند کاری به بهره‌مندی ظرفیت‌های آن در دوره معاصر ندارند و بیشتر در پی تشدید محبت آنان به امام حسین علیه السلام می‌باشند؛ بنابراین اگر ما از این دیدگاه به حوزه‌های علمیه

حوزه: در چند سال اخیر حوزه علمیه با چه مسئله‌های جدیدی روبه‌رو شده است که پیش از این مسبوق به سابقه نبوده‌اند؟ کدام‌یک شدت و عمق بیشتری دارد؟

حکمت‌نیا: از تلاش مجله وزین و قدیمی حوزه تشکر می‌کنم که به‌طور ویژه به بررسی مسائل روحانیت می‌پردازد و می‌کوشد این مسائل را در آستانه آگاهی آنان قرار داده و راه حلی هم برای آن‌ها بیابد. در پاسخ به

پرسشی که امروز روحانیت به چه مسائل جدیدی روبه‌رو است، پرسش دیگری مطرح می‌شود و آن این‌که اساساً حوزه‌های علمیه را در چه موقعیت معرفتی می‌بینیم و تحلیل می‌کنیم؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان سه موقعیت برای حوزه‌های

شیعی در نظر گرفت و بر اساس وضعیت هر یک، به شناسایی این مسائل پرداخت:

موقعیت اول: در این وضعیت، حوزه‌های علمی شیعه را به مثابه نهادی جهت دفاع از تفکر شیعه در سرزمین ایران می‌بینیم و از این زاویه به تحلیل مسائل جدید آن می‌پردازیم. در این دیدگاه رسالت روحانیان عبارت‌ند از: - ترویج احکام، مناسک و معارف شیعی در ایران؛

- دفاع از این مجموعه در قبال شبهاتی که سه گروه تردیدافکن؛ یعنی روشنفکری، وهابیت و معنویت‌گرایان سکولار تبلیغ می‌کنند.

رسالت روحانیان عبارت‌ند از:
- ترویج احکام، مناسک و معارف شیعی در ایران؛
- دفاع از این مجموعه در قبال شبهاتی که سه گروه تردیدافکن؛ یعنی روشنفکری، وهابیت و معنویت‌گرایان سکولار تبلیغ می‌کنند.

نگاه کنیم درمی یابیم که مسائل حوزه چه دسته مسائلی است و مدافعین آن چه پاسخی دارند و چگونه به روند تفکر دینی در جهان معاصر نمی اندیشند.

موقعیت دوم؛ در این وضعیت، حوزه را به مثابه ابزار و ظرفیتی برای حکومت اسلامی در ایران می بینیم و از این زاویه به کشف مسائل نوپدید آن می پردازیم؛

پرواضح است که روحانیت شیعه برخلاف دوره صفویه که نه تئوری آن دولت را تبیین کرد و نه در ساخت آن مشارکتی داشت، روحانیت کنونی ایران هم در تئوری و هم در بنای جمهوری اسلامی نقش مهمی داشته و اساساً این دولت منتسب به اوست؛ از این رو، نسبت روحانیت کنونی با دولت همکار نیست، بلکه نسبت بانی و بنیان گذار است. این نشان می دهد که بین روحانیت و حوزه های کنونی با حکومت دینی در ایران رابطه این همانی وجود دارد و روحانیت ظرفیت این نظام است.

می دهد که بین روحانیت و حوزه های کنونی با حکومت دینی در ایران رابطه این همانی وجود دارد و روحانیت ظرفیت این نظام است. اگر از این دیدگاه به حوزه های علمیه نگاه کنیم، حوزه ها رسالتی متفاوت تر از موقعیت اول می یابند، که باید فراتر از ترویج و دفاع از اندیشه شیعی، وظایف دیگری؛ البته در درون ساخت جمهوری اسلامی برای خود تعریف کنند؛ چرا که خیلی از مسائل و چالش

جمهوری اسلامی، مسائل و چالش حوزه نیز می باشد، حتی خطبندی های سیاسی جمهوری اسلامی نیز به حوزه سرایت می کند و به نوعی مسائل آن ها به یکانگی می رسد؛ برای مثال می توان به مسائلی چند اشاره کرد:

- آیا قیام علیه جمهوری اسلامی مصداق بغی است؟

- آیا می توان اعتراضات و اغتشاشات را در قالب عناوین محاربه و مفسد فی الارض صورت بندی کرد؟

- آزادی بیان و عقیده در جمهوری اسلامی چه وضعیتی فقهی پیدا می کند و اعتراض به لحاظ فقهی چیست؟

- آیا می توان به گناهکاران همانند بی حجابان خدمات عمومی ارائه نکرد؟

- آیا وظیفه من در امر به معروف و نهی از منکر مجوزی

می شود که به سازمان های دولتی حکم کنم که به بی حجابان خدمات ارائه نشود؟ مثلاً در منابع دینی داریم که به شرابخوار زن ندهید؛ ولی می توان گفت که با او معامله هم نکنید؟ و برای این سیاست عمومی ضمانت اجرایی هم تعیین کنیم؟

- آیا می توان اموال کسی که دیگران را به اعتراض و اغتشاش تشویق می کند مصادره کرد؟

روحانیت کنونی ایران هم در تئوری و هم در بنای جمهوری اسلامی نقش مهمی داشته و اساساً این دولت منتسب به اوست؛ از این رو، نسبت روحانیت کنونی با دولت جمهوری اسلامی نسبت همکار نیست، بلکه نسبت بانی و بنیان گذار است. این نشان می دهد که بین روحانیت و حوزه های کنونی با حکومت دینی در ایران رابطه این همانی وجود دارد و روحانیت ظرفیت این نظام است.

حوزه باید فراتر از موقعیت اول و دوم، خود را برای یک نبرد تاریخی آماده سازد و فعالانه کنشگری کند.

حوزه: مراد شما از موقعیت سوم آن است که خود حوزه محور تمدن قرار گیرد و دم از ساختن تمدن اسلامی زند؟ یا مفهوم دیگری مدنظر شماست؟

حکمت‌نیا: مراد این نیست که حوزه متولی ساخت تمدن اسلامی شود، یا این که حوزه متولی ساختن تمدنی باشد تا دیگران از او الگو بگیرند؛ این بحث‌هایی که امروزه در حوزه درباره تمدن اسلامی مطرح می‌شود، حتی سخن آنانی که در صدد ساختن تمدن جدیدی بر اساس فلسفه و معرفت‌شناختی اسلامی‌اند قابل فهم نیست؛ چون اساساً کار حوزه‌های علمیه تمدن‌سازی نیست و نباید این بار را بردوش حوزه بگذاریم، بلکه مراد این است که حوزه بخشی از تمدن الهی است و باید خود را در کلان این تمدن ببیند؛ یعنی این که ارزیابی کند که مسائل کلان او در قبال مسائل کلان جریان سکولار چیست؟ چه نسبتی با دیگر ادیان دارد؟ چه اشتراکی با ادیان توحیدی دارد؟ چگونه می‌تواند در همکاری با ادیان توحیدی در قبال غیر توحیدی روبه‌رو شود؟ این نگاه با آنچه امروزه در حوزه درباره تمدن اسلامی مطرح می‌شود به طور بنیادین تفاوت دارد.

حوزه: بر اساس این موقعیت مسائل حوزه‌های علمیه چه می‌شود؟

حکمت‌نیا: بر اساس این وضعیت می‌توان

- آیا می‌توان مردم را وادار به تزریق واکسن کرد؟

- آیا می‌توان فضای مجازی را به بهانه‌های اخلاقی و امنیتی فیلترینگ کرد؟

- ماهیت فقه تورم چیست؟ آیا با افزایش تورم در ایران که مرتب رو به فزونی است می‌توان به تعدیل مهریه پرداخت؟ هرچند در کشوری مثل ژاپن که تورم آن دو درصد است ممکن است تعدیل مهریه مطرح نباشد؛ ولی در ایران مسئله مهمی شده است.

بنابراین بر اساس اصل چهارم قانون اساسی که همه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی باید بر اساس موازین اسلامی باشند، روحانیت و حوزه‌های علمیه نقش مهمی دارند و در قبال این گونه مسائل مسئولیت دارند.

موقعیت سوم: در این وضعیت، حوزه‌های علمیه را به مثابه جایگاهی که در تمدن اسلامی دارد ملاحظه می‌کنیم؛ یعنی این که امروزه تمدن اسلامی در چه جایگاهی قرار دارد و حوزه‌های علمیه در کجای ماجرا قرار دارند؟ در واقع درست است که حوزه در ایران تأسیس شده است و ایران نیز مهد بیش از هشتاد میلیون شیعه می‌باشد؛ ولی می‌خواهد رسالت جهانی ایفا کند و افزون بر ادیان ابراهیمی با همه مسلمانان در قبال تمدن سکولار غرب روبه‌رو شود؛ نه این که مقابله کند. اگر از این دیدگاه به حوزه نگاه کنیم

مسائل روحانیت را این گونه برشمرد:

- چگونه می‌توان با اهل توحید رابطه برقرار کرد؟

- این همگرایی (نه وحدت) چه مختصاتی دارد؟

- چگونه می‌توان با اتکا بر ظرفیت‌های همگرایی در مقابل جبهه غیر توحیدی‌ها اندیشید و رفتار کرد؟

بنابراین، حوزه‌ها باید دریابند که تمدنی در غرب وجود دارد که حداقل زندگی معمولی مردم را بدون استرس و نگرانی ساخته است و برای آنان رفاه آورده است. در بخش فلسفه بینش تولید کرده است و در عرصه اجتماع نیز نظام‌سازی‌های کارآمد آفریده است. پس از این مرحله، حوزه بر اساس اصل «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ»^۲ با همکاری ادیان توحیدی

هم می‌خواهیم در ساخت

و بنای تمدن الهی مشارکت کنیم. در دهه

هشتاد میلادی معلولین جهان دور هم جمع شده

و گفتند شما جهان را برای انسان‌های سالم ساخته

و برای رفع نیازهای آنان برنامه‌ریزی کرده‌اید. اکنون

نیز ما می‌خواهیم در ساخت

این جهان با شما مشارکت کنیم.

پس از دهه هشتاد تکنولوژی‌های معلولین رو به فزونی گرفت. الان هم

حوزه‌های شیعه می‌توانند به غرب بگویند که شما این تمدن را برای رفع نیازهای خودتان ساخته‌اید؛ ولی ما هم می‌خواهیم در ساخت این تمدن مشارکت کنیم و جهان را به گونه‌ای بسازیم که به نیازهای ما پاسخ دهد و تمدن هم بر اساس نیازهای ما ساخته شود. اگر چنین مطالبه صورت گیرد آن‌گاه حوزه باید در نقش خود بازنگری کند و برای خود رسالتی جدید تعریف کند و در روابط کنونی خود با نیروهای داخلی و خارجی تجدیدنظر کند؛ چراکه نگاه از این موقعیت ظرفیت‌های حوزه را عوض می‌کند و خود را از مسائل وضعیت اول و دوم جدا می‌سازد. حوزه در این وضعیت جدید از محیط کوچکی که به سر می‌برد بیرون می‌رود

و به جهان بزرگی ورود

می‌یابد و مسائل پیشین

را رها می‌کند، حتی از

تقسیم‌بندی‌های جاری در

حوزه؛ مثل مخالف و موافق

نظام اسلامی، انقلابی

و غیر انقلابی و... جدا

می‌شود و خود را وارد یک

مشارکت جهانی می‌کند؛

از این رو هر اختلافی از آن

دست، بی‌تردید به موقعیت جدیدش

صدمه می‌زند.

حوزه: بنابراین آن چه شما از بحث موقعیت

حوزه‌ها باید دریابند که تمدنی در غرب وجود دارد که حداقل زندگی معمولی مردم را بدون استرس و نگرانی ساخته است و برای آنان رفاه آورده است. در بخش فلسفه بینش تولید کرده است و در عرصه اجتماع نیز نظام‌سازی‌های کارآمد آفریده است.

قرار است چه مسئله‌ای را حل کنیم. محیط و موقعیت ما در نوع نگاه‌مان به مسائل تفاوت دارد و ما را در حل مسئله یاری می‌کند.

حوزه: این که شهید مطهری بیان می‌کرد، مجتهد روستایی فتوای روستایی می‌دهد و مجتهد شهری فتوای شهری، بیان‌کننده همین دیدگاه است؟

حکمت‌نیا: شاید این زاویه را نپسندم؛ چون ممکن است کسی اندیشه‌اش ملاصدرا را باشد؛ ولی تنها مسئله روستایی را حل کند؛ از این رو باید این بحث را مطرح کرد که قرار است چه مسئله‌ای را حل کنیم؟ اگر قرار است مسئله روستایی را حل کنیم تسلط بر اندیشه ملاصدرا هم روستایی می‌شود؛ یعنی تا ما مسئله بزرگی را نبینیم نمی‌توانیم دانش خود، حتی ملاصدرا را برای حل آن

به کار بگیریم. به همین دلیل حوزه، اول باید مسئله را بزرگ و تمدنی ببیند؛ سپس -ضمن مطالعه تمدن غرب- خود را به عنوان کنشگری فعال وارد چنین تمدنی کند. در این وضعیت است که اختلافات سیاسی در موقعیت دوم -که از حوزه‌های شیعی وقت و انرژی بسیاری گرفته است- نادیده گرفته می‌شود و از اهمیت می‌افتد؛ چون قرار است مسائل بزرگ‌تری را حل کند.

حوزه: الان حوزه‌های علمیه

تمدنی سخن گفتید، با آن چه امروزه در حوزه از تمدن اسلامی بحث می‌شود متفاوت است؟ شاید با این دیدگاه بحث‌های تمدنی از این دست را در حوزه نمی‌پسندید؟

حکمت‌نیا: پیش از این اشاره شد که از آن چه در حوزه درباره تمدن اسلامی می‌گذرد مطلع نیستم و خیلی با آن نیز درگیر ذهنی نمی‌شوم؛ چرا که به نظر می‌رسد حوزه نباید تنها به مطالعه تمدن غرب بپردازد و در قبال آن موضع بگیرد. حوزه باید در تمدن کنونی و جاری جهانی نقش ایفا کند. باید به تمدن جدید توجه داشته باشیم نه مطالعه آن؛ یعنی توجه به کلان تمدن و ایفای نقش سازنده. امروزه در حوزه کسانی هستند که از تمدن بحث می‌کنند؛ ولی زبان بلد نیستند و یک دانشگاه بین‌المللی نرفته‌اند؛ پس نباید

ساخت تمدنی دیگران را تنها مطالعه کنیم. این که دیگران تکنولوژی و تمدن بسازند و ما فقط مطالعه کنیم درست نیست. باید بدانیم جهان در کجا قرار دارد و ما کجای آن واقع شده‌ایم. باید در لبه علم و دانش‌های نوین قرار بگیریم و از کلان‌گویی درباره آن چه در غرب می‌گذرد پرهیز کنیم و گرنه به درک تمدن نایل نمی‌شویم؛ از این رو، باید دریابیم که در چه محیطی فکر می‌کنیم، سخن می‌گوییم و

امروزه در حوزه کسانی هستند که از تمدن بحث می‌کنند؛ ولی زبان بلد نیستند و یک دانشگاه بین‌المللی نرفته‌اند؛ پس نباید ساخت تمدنی دیگران را تنها مطالعه کنیم. این که دیگران تکنولوژی و تمدن بسازند و ما فقط مطالعه کنیم درست نیست. باید بدانیم جهان در کجا قرار دارد و ما کجای آن واقع شده‌ایم. باید در لبه علم و دانش‌های نوین قرار بگیریم و از کلان‌گویی درباره آن چه در غرب می‌گذرد پرهیز کنیم و گرنه به درک تمدن نایل نمی‌شویم.

ما در کدامین وضعیت قرار دارند؟

حکمت‌نیا: به نظر می‌رسد که حوزه‌های علمیه در وضعیت اول و دوم که وضعیتی هم‌آورد است قرار دارند؛ یعنی جریانی است که همواره می‌خواهد حوزه را ذیل نظام اسلامی قرار دهد و مسائل آن را به حوزه سرریز کند و جریانی که نگرش سلبی به جریان اول دارد رسالت خود را تنها در ترویج و دفاع از آموزه‌های شیعی می‌داند؛ البته هر دو جریان قدرتمندان؛ ولی جریان اول، تربیون‌های رسمی دارند و مورد حمایت



جامعه امروز ما مثل جامعه صدر اسلام نیست که مرزهای ایمان و کفر کاملاً مشخص شده باشند. امروزه مرزهای ایمان و کفر به هم ریخته و درهم تنیده شده‌اند. ما همانند واتیکان شهری مذهبی نیستیم که بخواهیم دولتی دینی تشکیل دهیم؛ بلکه ما ایرانییم که در آن تشکیل حکومت اسلامی داده‌ایم. ایرانی‌ای که به لحاظ دینی، مذهبی، سبک زندگی‌ها و حتی میزان سطح وفاداری به دین متکثر و متنوع شده است. حوزه باید این تنوع‌ها را بشناسد و بر اساس این تنوعات با مسائل روبه‌رو شود.



سازمان سیاست است و جریان دوم، قدرتی پنهان دارد، که ضعیف‌تر از جریان اول است. بنابراین باید گفت که هر دو جریان وجه سیاسی دارند؛ به این معنا که اگر قدرت، دست جریان اول بیفتد ممکن است کاری کند که جریان دوم می‌کند؛ ولی به هر حال جریان دوم باید به مسایل کنونی و نوپدید جمهوری اسلامی پاسخ دهد.

از سوی دیگر، روحانیت باید میزان سطح مداخلات نظام اسلامی در زندگی مردم را از نظر فقهی تبیین کند و حدود و ثغور میزان مداخلات آن را مشخص کند؛ یعنی تا روحانیت چنین مشکلاتی را حل نکند نمی‌تواند مشکلات عملی که امروزه بدان

گرفتار شده است را حل و فصل کند و چاره‌ای برای خود بیندیشد.

حوزه: مشکلات کنونی جامعه ایرانی چیست و روحانیت باید به چه چیزی در این باره بیندیشد؟

حکمت‌نیا: روحانیت باید دریابد که جامعه امروز ما جامعه‌ای متکثر است و حتی نسبت به پایبندی به دین هم متکثر شده است؛ از این رو جامعه امروز ما مثل جامعه صدر اسلام نیست که مرزهای ایمان و کفر کاملاً مشخص شده باشند. امروزه مرزهای ایمان و

کفر به هم ریخته و درهم تنیده شده‌اند. ما همانند واتیکان شهری مذهبی نیستیم که بخواهیم دولتی دینی تشکیل دهیم؛ بلکه ما ایرانییم که در آن تشکیل حکومت اسلامی داده‌ایم. ایرانی‌ای که به لحاظ دینی، مذهبی، سبک زندگی‌ها و حتی میزان سطح وفاداری به دین متکثر و متنوع شده است. حوزه باید این تنوع‌ها را بشناسد و بر اساس این تنوعات با مسائل روبه‌رو شود. این که نوع روبه‌رو با انواع تخلفات در ایران زمین چیست؟ ضرورت رسمیت‌شناختی ایران سرزمینی است، تا بر اساس مبانی دینی بتوان سیاست فرهنگی به وجود آورد و عاقلانه با مسائل کنونی ایران روبه‌رو شد.

پی نوشت:

۱. گفت‌وگوی دکتر عبدالوهاب فراتی و دکتر محمود حکمت‌نیا، استاد و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲. آل عمران، آیه ۶۴.